

بررسی تحلیلی نقش رشد دارایی‌ها در افشا، محافظه‌کاری و شفافیت

گزارشگری مالی در سازمان‌های اقتصادی

دکتر مهربان پور^۱

حیدر ربیعی^۲

چکیده

این مقاله از نوع مطالعات مروری - تحلیلی است که با مروری بر تحقیقات نظری و تجربی، به بررسی جامع و چندبعدی ارتباط میان رشد دارایی‌ها و مفاهیم کلیدی حسابداری در سازمان‌های اقتصادی می‌پردازد. مسئله اصلی مقاله، تبیین جایگاه رشد دارایی‌ها به عنوان شاخصی اثرگذار در افشا، شفافیت، محافظه‌کاری، صداقت، و قابلیت اتکای گزارشگری مالی است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، ارزیابی عملکرد، و کنترل منافع ذینفعان ایفا کند.

هدف مقاله، روشن‌ساختن این موضوع است که رشد دارایی‌ها چگونه بر رفتار افشای اطلاعات مالی، میزان محافظه‌کاری حسابداری، کیفیت و شفافیت صورت‌های مالی و پیش‌بینی‌پذیری وضعیت آتی شرکت‌ها اثر می‌گذارد. مقاله همچنین با تحلیل نقش کلیدی ذینفعان مختلف نظیر سرمایه‌گذاران، مدیران اجرایی، اعضای هیئت مدیره و اعتباردهندگان، می‌کوشد اهمیت رشد دارایی‌ها را به عنوان شاخص هدایت‌کننده سیاست‌ها و استراتژی‌های سازمانی و همچنین تاثیر آن بر بهبود سلامت مالی و اقتصادی سازمان‌ها تبیین نماید. در این تحلیل، تلاش شده تا با تلفیق دیدگاه‌های علمی و کاربردی، به ارائه راهکارهایی برای بهبود تصمیم‌گیری و مدیریت موثرتر دارایی‌ها در فضای اقتصاد رقابتی امروز دست یابد.

واژگان کلیدی: رشد دارایی‌ها، افشای اطلاعات مالی، محافظه‌کاری حسابداری، شفافیت و قابلیت اتکا، ارزیابی عملکرد سازمانی

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

^۲ استاد دانشگاه تهران و مشاور استراتژی‌های مالی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری

مقدمه

شاخص رشد دارایی به عنوان محور موضوع این مقاله، میتواند اطلاعات مفیدی به مدیران، هیئت مدیره، سهامداران، سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان در مورد زمینه ابزار ارزیابی موقعیت سازمانهای اقتصادی مختلف فراهم میکند. رابطه علت و معلول که بین شاخص رشد دارایی و مفاهیم حسابداری و همچنین تاثیر شاخص رشد دارایی بر مفاهیم حسابداری و تاثیر پذیری نیز از آن مفاهیم و استفاده کاربردی و عملی از شاخص رشد داراییها که در اتخاذ تصمیمهای کارا در زمینه پیش بینی موقعیت واقعی شرکتهای ارائه مینماید. هدف از نوشتن این مقاله مروری فراهم کردن زمینه برای افرادی و مؤسساتی که میخواهند از این شاخص استفاده کنند مانند مدیران شرکتهای پذیرفته شده در سازمانهای بورس اوراق بهادار و سایر بازیگران وابسته به بازار سرمایه مانند سهامداران، سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان، موسسات آموزشی، دانشگاهیان و شاغلان در حرفه حسابداری است.

شاخص رشد دارایی سازمانهای اقتصادی، به عنوان یک نسبتی که از صورتهای مالی آن سازمانها به دست میآید، طبیعی است که بر برخی از مفاهیم حسابداری تاثیر بگذارد و همچنین از آن مفاهیم تاثیر میپذیرد، زیرا نسبت رشد دارایی سازمانهای اقتصادی از ارقامی که متاثر از شیوه های عمل و مفاهیم حسابداری بدست میآید. هنگام تهیه صورتهای مالی و گزارش اطلاعات مربوط به عملکرد سازمانهای اقتصادی توسط حسابداران و مدیران مالی، معمولاً یک سری شیوه ها در نظر گرفته میشود. در اکثر وقتها این شیوه ها بر تصمیم گیری استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی تاثیر میگذارد.

بازیگران بازار سرمایه از این شاخص به عنوان معیار ارزیابی عملکرد سازمانهای اقتصادی، مقایسه فرصتهای سودآوری و میزان ریسک سرمایه گذاری استفاده میکنند. از طرفی دیگر، دیده میشود در برخی حالتها مدیران اجرایی از شاخص رشد داراییها به عنوان معیار تعیین کننده انحرافات سازمانها از اهداف تعیین شده کلی، سیاستها و برنامه ریزی های وضع شده بهره میبرند. به همین دلیل با شناخت ارتباط شاخص رشد دارایی با مفاهیم حسابداری باعث استفاده کاربردی از شاخص میشود و یقیناً به طیف وسیعی از بازیگران بازار سرمایه هنگام اتخاذ تصمیمات مختلف کمک خواهد کرد. در این مقاله مروری بر ارتباط میان برخی از مفاهیم حسابداری مانند دسترسی به اطلاعات صحیح، مربوط، شفاف و به موقع بودن که بر تصمیم گیری اعتبار دهندگان، سهامداران و سرمایه

گذاران و سایر فعالان در بازار سرمایه تاثیر دارند و همچنین استفاده کنندگان از آن شاخص مورد بررسی و بحث واقع خواهد شد.

ارتباط میان رشد دارایی‌ها و مفاهیم حسابداری

ا) ارتباط میان رشد دارایی‌ها و افشاء

افشای اطلاعات^۱ سازمان‌های اقتصادی از طریق انتشار صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، گزارش‌های مجامع عمومی^۲، رسانه‌ها^۳ صوتی و تصویری، سایت‌ها^۴ و شبکه‌های ارتباط اجتماعی^۵ صورت می‌گیرد. نبودن اطلاعات لازم و موثر که به موضوع تصمیم‌گیری مدیران و بازیگران ارتباط دارد و می‌تواند به گمراهی تصمیم‌گیران و اتخاذ تصمیم‌های غلط توسط آنان منجر شود. افشای بخش حسابداری برای استفاده‌کنندگان، اطلاعاتی را فراهم می‌سازد که به وسیله آن می‌توان ضعف و قدرت شرکت‌ها را ارزیابی نمود. از این رو، افشای اطلاعات با کیفیت، یا بی کیفیت به افزایش و یا کاهش قدرت تشخیص وضعیت و ارزیابی عملکرد سازمان‌های اقتصادی، میزان رشد دارایی و همچنین بر ارزیابی درست سودها و فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری تاثیر می‌گذارد (حاجیان، انواری رستمی، رحمانی و آذر، ۱۳۹۴، ص ۸۴). رشد دارایی‌ها می‌تواند انگیزه‌ای برای شرکت‌ها باشد تا افشای اطلاعات حسابداری باکیفیت ارائه دهند. میزان رشد دارایی‌ها در گذشته، سیاست و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری آینده، نسبت اهرمی و تاثیر آن بر رشد دارایی‌ها در آینده، جریان‌های نقدی ناشی از سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها، بازده دارایی‌ها و اطلاعات محرمانه مرتبط با دارایی‌ها، تصویری به ذینفعان می‌دهد که در ارزیابی سازمان‌های اقتصادی و پیش‌بینی تصمیم‌های سرمایه‌گذاری کمک می‌کند (عالی و، ۱۳۷۰، ص ۹).

برخی تحقیقات نشان داد سازمان‌های اقتصادی که در دارایی‌ها رشد بیشتر و قابل ملاحظه نسبت به سایر سازمان‌ها دارند، به افشای اطلاعات مرتبط با سرمایه‌گذاری‌ها و فرصت‌های رشد تمایل ندارند. بعضی از سازمان‌های اقتصادی تا مدت زمانی از افشای اطلاعات مربوط به میزان رشد حاصل در دارایی‌ها خودداری می‌کنند، زیرا به این وسیله از سوءاستفاده رقبا جلوگیری می‌نمایند (چول و پیکانس^۶، ۲۰۰۱، ص ۳۷). قابل توجه

^۱ Information Disclosure

^۲ General Assembly Report

^۳ Media

^۴ Sites

^۵ Social Communication Networks

^۶ Chul and Pincus

مدیران که این مسئله باعث به وجود آمدن پدیده عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت اجرایی و سرمایه‌گذاران سازمان‌های اقتصادی دارای رشد می‌گردد. در نتیجه، عدم افشای به موقع اطلاعات موجب ایجاد انتظار بالاتر سهامداران و سرمایه‌گذاران هنگام تصمیم‌گیری و به تبع آن افزایش هزینه سرمایه می‌شود (مهربان پور و ربیعی، ۱۳۹۷، ص ۳۳).

ب) ارتباط میان رشد دارایی‌ها و محافظه کاری

از ویژگی‌های مهم گزارشگری مالی در سازمان‌های اقتصادی، محافظه کاری^۱ است. محافظه کاری به این معناست که در شرایط عدم اطمینان یک راهکار حسابداری انتخاب گردد که در نهایت به ارائه کمتر دارایی‌ها و درآمدها منجر شود. اعتباردهندگان به عنوان یکی از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از ویژگی محافظه کاری استقبال می‌کنند. در مقابل سهامداران و سرمایه‌گذاران از محافظه کاری به عنوان معیار سنجیدن میزان ریسک و بازده آتی سازمان‌های اقتصادی استفاده می‌نمایند (ژانگ^۲، ۲۰۰۶). میان مفهوم محافظه کاری و مقدار خالص دارایی‌ها یک رابطه معنادار و منفی وجود دارد (برزیده و قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۸۳). تحقیقات نشان داده که مدیریت سازمان‌های اقتصادی که دارایی‌های بیشتر دارند و از رشد مناسب برخوردار هستند، محافظه کاری کمتری داشته و به شیوه غیر محافظه‌کارانه عمل می‌نمایند. دلیل این رفتار ممکن است ناشی از اطمینان خاطر هیئت اجرایی از فعالیت سازمان‌های اقتصادی باشد (جورجیا، توماکس و وانگ^۳، ۲۰۱۱، ص ۲۷۳). از طرف دیگر ممکن است اعمال محافظه کاری بیشتر در تهیه صورت‌های مالی به کمتر نشان دادن رشد حاصل در دارایی‌ها منجر شود. از این رو، سهامداران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در مرحله اول می‌توانند خالص رشد دارایی‌ها را بررسی کنند و از آن به عنوان شاخص موثر بر تصمیم‌گیری استفاده نمایند. در صورت وجود خالص رشد کم دارایی‌ها، سرمایه‌گذاران به عنوان مرحله دوم می‌توانند شیوه محافظه کاری حسابداری تهیه صورت‌های مالی را نیز بررسی نمایند، زیرا آن میزان از رشد حاصل در دارایی‌ها احتمالاً حاوی این اطلاع باشد که شرکت‌ها محافظه کاری بیشتر را اعمال کرده و اطلاعات ارائه شده به صورت محافظه‌کارانه گزارش شده است.

^۱ Conservatism

^۲ Zhang

^۳ Georgios, Thomakos and Wang

ت) ارتباط میان رشد دارایی‌ها و شفافیت و قابلیت اتکای موثر بر دقت پیش-

بینی وضعیت شرکت‌ها

جنبه اقتصادی اطلاعات مالی باعث این شد که گزارش‌گری مالی و سیستم حسابداری نقش حیاتی را در بازارهای مالی ایفا کنند. سهامداران و سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان با استفاده از اطلاعات مالی و حسابداری که از طریق صورت‌های مالی ارائه می‌شود، فعالیت و عملکرد آتی سازمان‌های اقتصادی را پیش‌بینی و از آن برای ارزش‌گذاری سازمان‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه دارایی‌ها به عنوان بخش مهمی از صورت وضعیت مالی می‌باشد، در صورتیکه سرمایه‌گذاران و سهامداران بتوانند آن را درست ارزیابی نمایند، آنگاه ارزش‌گذاری سازمان‌های اقتصادی، سود عملکرد آتی و بازده دارایی‌ها و منابع را به درستی پیش‌بینی می‌نمایند (احدی، رنجبردار و مهدیخانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰). توسعه بازارهای مالی و جدا شدن مالکیت از مدیریت باعث افزایش نیاز به افشاگری شفاف و قابل اتکا در سازمان‌های اقتصادی می‌شود. زیرا ذینفعان برای پیش‌بینی جریان‌های وجوه نقد آتی، سود و وضعیت شرکت‌ها نیاز به اطلاعات مالی شفاف در مورد رشد دارایی‌ها و میزان تحقق اهداف برنامه‌ریزی عملکرد خواهند داشت. تضاد همیشگی منافع مدیریت اجرایی و ذینفعان باعث شد تحقیقاتی انجام شود که از یک طرف به حسابداران کمک نمایند تا نیاز ذینفعان و روش مناسب گزارش‌گری را شناسایی کنند، و از طرف دیگر، به ذینفعان کمک نمایند تا ابزار و شاخص‌های پیش‌بینی را شناسایی و از آن‌ها برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب استفاده کنند (برزیده و قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۸۴). شفافیت و قابلیت اتکا به رشد دارایی‌های گزارش شده یکی از آن شاخص‌هایی است که می‌تواند به سهامداران و سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی وضعیت سازمان‌های اقتصادی و اتخاذ تصمیم‌های مناسب کمک نماید.

ث) ارتباط میان رشد دارایی‌ها و صداقت و اطمینان موثر بر دقت پیش‌بینی

وضعیت شرکت‌ها

تحقیقات گذشته بیان می‌کند که سطح خالص دارایی‌ها، یک پیش‌بینی قوی از عملکرد مدیریت شرکت‌ها را ارائه می‌دهد. از طرف دیگر، مطالعات انجام شده نشان داد که رشد دارایی‌های فاقد موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی جاری، تردیدها را در رابطه با حفظ درآمد عملکرد و فعالیت جاری بالا می‌برد. به همین دلیل رشد دارایی‌های جاری می‌تواند به عنوان شاخص برای مقیاس کیفیت درآمد استفاده شود و ممکن است از آن بتوان برای

پیش‌بینی عملکرد سازمان‌های اقتصادی در آینده بهره برد (جورجیا، توماکس و وانگ^۱ ۲۰۱۱، ص ۲۷۵). در آن تحقیقات نشان داده شد که سهامداران و سرمایه‌گذاران برای ارزیابی ارزش سازمان‌ها اقتصادی از صورت‌های مالی استفاده می‌نمایند، زیرا بین اطلاعات صورت وضعیت مالی و مولفه‌های خروجی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد (ژانگ^۲، ۲۰۰۶). اما در اکثر مواقع سرمایه‌گذاران ارزش سازمان‌های اقتصادی را بیشتر از ارزش واقعی اندازه‌گیری^۳ می‌نمایند.

در مطالعه‌ای که ژانگ، هیرشفر و هاو^۴ (۲۰۰۴) انجام دادند، بیان شد که ارقام خالص دارایی‌ها و میزان رشد حاصل از آن‌ها یک پیش‌بینی منفی از عملکرد سازمان‌های اقتصادی ارائه می‌دهد. این روند در ارزیابی عملکرد سازمان‌های اقتصادی باعث ایجاد انگیزه درون سازمان‌ها می‌شود که هنگام گزارش عملکرد خود رفتار خاصی را انتخاب نمایند. دلیل انحراف‌های رفتاری سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی را می‌توان به صداقت در تهیه آن گزارش‌ها ارجاع داد. با توجه به نتایج تحقیقات ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که به طور قطع خالص دارایی‌ها و رشد حاصل در آن یک ابزار پیش‌بینی کننده مهم برای ارزشیابی سرمایه و وضعیت سازمان‌ها اقتصادی و همچنین کیفیت سود و عملکرد در آینده می‌باشد، که با توجه به عامل اطمینان از روند گزارش‌گری و مفهوم صداقت و بی‌طرفی در ارزیابی، میزان واقعی رشد دارایی‌ها گزارش شده می‌تواند به نگرش سرمایه‌گذاران در مورد پیش‌بینی وضعیت سازمان‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری در ادامه مشارکت کمک کند.

استفاده کنندگان از مفهوم رشد دارایی‌ها

همانطور که در پیش اشاره شد، قدرت پیش‌بینی وضعیت اقتصادی سازمان‌های اقتصادی یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی محسوب می‌شود. مدیریت اجرایی و نظارتی، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود به توان پیش‌بینی درست نیاز دارند (حیدری و رنجبری، ۱۳۹۴، ص ۱۹۳). از طرف دیگر، سرمایه‌گذاران به اطلاعاتی که در تصمیم‌گیری به آن‌ها کمک کند و مورد بهره‌برداری واقع شود نیازمندند. این نیاز باعث شد که در سال‌های اخیر اغلب سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان

^۱ Georgios, Thomakos and Wang

^۲ Zhang

^۳ Measurement

^۴ Zhang, Hirshlfer and Hou

و مدیران به دنبال پیدا کردن و شناخت معیاری یا شاخصی مناسب و قابل اتکا هستند که قدرت و توان اندازه‌گیری ثروت سهامداران و رشد دارایی‌ها را داشته باشد. از مشخصه‌های تحقیقات حسابداری و مالی در حال حاضر، جستجو برای پیدا کردن معیارهای مناسب و برتر در مورد ارزیابی سازمان‌های اقتصادی است. شناخت چنین معیاری، به سهامداران و سرمایه‌گذاران در مورد تصمیم درباره نگهداری یا فروش سهام، به اعتباردهندگان در مورد سنجش میزان امنیت و ریسک سرمایه‌گذاری و همچنین به مدیران در مورد ارزیابی عملکرد بخش‌های مختلف سازمان‌های اقتصادی تحت کنترل خود و میزان تحقق اهداف برنامه‌ریزی شده کمک می‌نماید (نوروش، صالحی و کرمی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴). اکنون در پیش روی مدیران سازمان‌های اقتصادی دورانی قرار دارد که آن‌ها را ملزم می‌کند چارچوب جدیدی در سازمان‌های خود مستقر کنند، چارچوبی که توان ارزیابی رشد حاصل از اجرای برنامه‌ریزی عملکرد و سودآوری را به روش مناسب‌تر ارائه نماید. این مقاله برای ارزیابی و سنجش عملکرد مدیریت سازمان‌های اقتصادی، اندازه‌گیری ثروت سهامداران و پیش‌بینی فرصت‌های سودآوری به شاخص رشد دارایی سازمان‌های اقتصادی اشاره می‌نماید. استفاده‌کنندگان شاخص رشد دارایی‌ها در بندهای بعدی به طور مفصل‌تر بحث خواهد شد.

سرمایه‌گذاران و سهامداران عمده و اقلیت

شیوه‌های ارزیابی انحرافات برنامه‌ریزی، اندازه‌گیری عملکرد مدیران و پیدا کردن روش‌های کنترل تضاد منافع با آنها، مسائل مهمی هستند که پرداختن به آن به توسعه ثروت و افزایش درآمد و در نهایت رشد دارایی‌ها منجر می‌گردد. انگیزه مدیران برای تحقق و رسیدن به رشد مطلوب و نظارت سهامداران عمده، ابزاریست که می‌تواند مشکلات نمایندگی^۱ را کاهش و ارزش دارایی‌های یک سازمان را به صورت مناسب افزایش دهد. وجود سهامداران عمده می‌تواند میزان نظارت را بهبود و افزایش دهد. این مسئله منافع مدیران را با منافع سهامداران هم‌سو می‌نماید، به طوری که مدیران، نیروی محرکی برای پیگیری فعالیت‌های حداکثر نمودن ارزش دارایی‌ها شوند (هانسون و سونگ^۲، ۱۹۹۷، ص ۸). زیرا نظارت سهامداران عمده ممکن است بر جنبه‌های مختلف سازمان‌های اقتصادی مانند سیاست‌های سرمایه‌گذاری، برگزیدن برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی و

^۱ Agency Problem

^۲ Hanson and Song

مالی، عملکرد شرکت‌ها و سودآوری تاثیر خاصی داشته باشد (علی نژاد ساروکلایی و بحرینی، ۱۳۹۲، ص ۹۵). تمایل مدیران به هدایت منابع سازمان به سوی منافع شخصی و ایجاد رشد غیر مطلوب در دارایی‌ها، دیر یا زود باعث بروز مشکلات نمایندگی اساسی می‌شود. اما برخی سهامداران عمده به طور بالقوه این مشکلات را حل می‌کنند. آن‌ها می‌توانند مزایای زیاد را برای خودشان و همچنین برای سهامداران اقلیت به دست آورند، زیرا سهامداران عمده توان آگاه شدن و امکان نفوذ بر نتایج عملکرد و بررسی میزان رشد مطلوب در دارایی‌ها را دارند (لیم، هاو و ورهوون^۱، ۲۰۱۴، ص ۳۶) و به این وسیله میزان عدم تقارن اطلاعات مربوط به میزان رشد واقعی دارایی‌ها را کاهش می‌دهند و مسیر عملکرد مدیران را با منافع خود هم‌سو می‌نمایند.

از طرف دیگر، در سازمان‌هایی که چند سهامدار اصلی وجود دارد باعث تعامل آن‌ها و به وجود اثر متقابل بر یکدیگر که منجر به ایجاد ائتلاف کنترل عملکرد سازمان‌های اقتصادی می‌شود، این مسئله سبب کاهش انحراف در رشد دارایی‌ها و افزایش ثروت سهامداران و ارزش سازمان‌ها از یک طرف و تحقق اهداف مدیران و رسیدن به پاداش مطلوب از سوی دیگر، می‌گردد. همچنین سایر سهامداران انگیزه برای نظارت بر سهامداران عمده و عملکرد مدیران را دارند و ائتلاف سهامداران اقلیت را در کنار سهامدار عمده اصلی تشکیل می‌دهند. این ائتلاف از سوء استفاده از حق و حقوق سهامداران اقلیت جلوگیری می‌نماید (تومپسون، هاینس و رایت^۲، ۲۰۰۳، ص ۱۸۲). به عبارت دیگر در حالتی که سهامداران اقلیت، کنترل سازمان‌ها را نداشته باشند، نیازمند ائتلاف با هم هستند، تا بتوانند از رشد واقعی باخبر شوند و این مسئله باعث تعدیل اختیار سهامدار عمده و امکان کسب منافع شخصی را کاهش می‌دهد، که این موضوع به نوبه خود به کنترل رشد دارایی‌ها و هدایت آن رشد به سوی مناسب و منطقی منجر شده تا بتوان از آن به عنوان شاخص مناسب ارزیابی وضعیت و عملکرد آینده سازمان استفاده نمود.

بازار سرمایه

بازارهای سرمایه به عنوان جریان‌های هدایت کننده منابع مالی از بخش غیر مولد به بخش مولد دارای نقش مهمی در رشد اقتصادی و در نهایت بهبود رفاه جامعه هستند. نقش بازار سرمایه در رشد اقتصادی از طریق تسهیل تامین مالی سازمان‌ها و بنگاه‌ها، تخصیص بهینه منابع مالی، بهبود نقد شوندگی دارایی‌ها، بهبود راهبری سازمانی و افزایش

^۱ Lim, How and Verhoeven

^۲ Thompson, Hansen and Wright

شفافیت در اقتصاد و عملکرد سازمان‌هاست. بازار سرمایه زمانی توان ایجاد رشد اقتصادی پیدا می‌کند که سازمان‌های عضو (پذیرفته شده) توان جذب اعتماد سرمایه‌گذاران و سهامداران را داشته باشند (کانت و ماکسیموویچ^۱، ۱۹۹۶، ص ۳۴۹). از سوی دیگر، بازار سرمایه زمانی می‌تواند قوی و کارا باشد که سازمان‌های تشکیل دهنده آن به رشد مطلوب رسیده باشند و توان رقابت با سایر سازمان‌ها در سایر بازارهای سرمایه را نیز داشته باشند. در کشورهایی که سیستم‌های مالی و بازار سرمایه گسترده‌تر دارند، سازمان‌ها سریع‌تر از سازمان‌های فعال در بازارهای کم‌تر گسترش یافته، رشد می‌کنند (علیزاده، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳)، زیرا عملکرد، وضعیت و میزان رشد حاصل در دارایی‌ها و اندازه سازمان‌های اقتصادی به عنوان هسته‌های بازار سرمایه، بر رشد بازار سرمایه^۲ تاثیر مستقیم دارد، بر عکس آن هم صحیح است. به عبارتی، رشد حاصل در دارایی‌ها و اندازه سازمان‌های اقتصادی تشکیل دهنده بازار سرمایه بر رشد ارزشی معاملات آن بازار تاثیر می‌گذارد و در نتیجه سیستم‌های مالی و بازارهای سرمایه نیز رشد و گسترش می‌یابد.

برخی از متغیرهایی که بر رشد حاصل در دارایی سازمان‌های عضو بازارهای سرمایه تاثیر می‌گذارند مانند سودآوری، برنامه‌ریزی، ساختار سرمایه و اهرم‌های مالی، بر رشد بازار سرمایه نیز تاثیر گذارند. سازمان‌های سودآور توان جذب سرمایه‌گذاران را دارند. این جذب منجر به افزایش معاملات و رشد آن‌ها می‌گردد. برنامه‌ریزی و سابقه عملکرد مدیریت سازمان‌ها که به نوبه خود به رشد مطلوب و اندازه مناسب رسیده‌اند نیز رشد معاملات بازار سرمایه را تحت شعاع خود قرار می‌دهند. به علاوه آن متغیرها، متغیر ساختار سرمایه و اهرم مالی سازمان‌ها نیز بر رشد معاملات تاثیر دارد، زیرا بازار سرمایه همانطور که در بخش قبل اشاره شد جایگاه مناسب عرضه و تقاضای سرمایه محسوب می‌شود.

اعتباردهندگان

معمولاً هزینه تامین مالی از محل منابع بیرونی سازمان‌های اقتصادی در بازارهای کم‌تر توسعه یافته نسبت به بازارهای توسعه یافته، بالاتر و بیشتر است. هزینه تامین مالی از محل منابع بیرونی سازمان‌های اقتصادی اهمیت زیادی دارد و تحت الشعاع بازار سرمایه، گسترش یافته و معنای جدید پیدا کرده است. برای اعتباردهندگان، ارتباط میان تامین

^۱ Kunt and maksimovic

^۲ Capital Market Growth

مالی از محل منابع بیرونی از یک طرف و رشد دارایی‌ها و تحقق اهداف پروژه‌ها زمانی ضرورت بررسی پیدا می‌کند که احتمالاً برخی سازمان‌های اقتصادی رشد فروش و سود خالص را ندارند، زیرا آن سازمان‌های اقتصادی ممکن است فرصت‌های رشد را نداشته باشند یا فرصت‌های رشد را دارند اما امکان تامین مالی مورد نیاز آن سازمان‌های اقتصادی فراهم نمی‌باشد (علیزاده، ۱۳۹۲، ص ۱۱۱). اعتباردهندگان با توجه به بندهایی که در قراردادهای تامین مالی می‌گذارند، می‌توانند در حفظ رشد دارایی‌ها و ایجاد رشد مطلوب کمک کنند. به همین دلیل، حضور سازمان‌های اقتصادی رشدی در بازارهای سرمایه، افشای اطلاعات حسابداری و گزارش به موقع صورت‌های مالی می‌تواند زمینه ایجاد ارتباط با اعتباردهندگان و تامین کنندگان مالی با هزینه پایین‌تر برای آن سازمان‌ها را فراهم می‌سازد که این مسئله می‌تواند ارتباط بین رشد در دارایی‌ها و افزایش اعتماد تامین‌کنندگان مالی و اعتباردهندگان بازار سرمایه را تحت تاثیر قرار دهد.

هیئت مدیره

منابع مالی سازمان‌های اقتصادی (دارایی‌ها) ابزاری هستند که در کسب مزیت رقابتی، ارتقای موقعیت سازمان‌های اقتصادی نسبت به رقبای، بهبود عملکرد سازمان‌ها و شکل‌گیری فرصت‌های رشد آتی مورد استفاده واقع می‌شوند (ایمانی، ذاکری زیارتی و بهادری، ۱۳۹۵، ص ۳).

از دیدگاه تئوری نمایندگی، استقلال، کنترل و نظارت هیئت مدیره بر عملکرد مدیران و مدیریت منابع سازمان‌ها (دارایی‌ها) از یک طرف عواملی برای کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران، و از طرف دیگر ابزاری جهت رشد و گسترش شفافیت و در نتیجه افزایش کارایی و فرصت‌های رشد سازمان‌ها به شمار می‌روند.

طبیعتاً اندازه هیئت مدیره در انجام وظایف خود نقش قابل تامل دارد. مطالعات گذشته در مورد اندازه هیئت مدیره و نقش آن در کنترل و نظارت بر عملکرد سازمان‌ها دو دیدگاه را ارائه نموده‌اند. دیدگاه اول اینگونه توضیح می‌دهد که هیئت مدیره کوچک‌تر به بهبود عملکرد سازمان‌های اقتصادی منجر می‌شود. زمانی که اعضای هیئت مدیره زیاد باشند، مشکلات نمایندگی افزایش می‌یابد، زیرا ممکن است تعدادی از اعضای هیئت مدیره منفعل عمل نمایند (هرمالین و ویسبک^۱، ۲۰۰۳، ص ۱۰۶).

^۱ Hermalin and Weisbach

از طرف دیگر هنگامی که تعداد اعضای هیئت مدیره بیش از اندازه باشد، کنترل و نظارت بر عملکرد مدیران اجرایی کاهش می‌یابد (لیپتین و لورچ^۱، ۱۹۹۲، ص ۶۳) به علاوه هماهنگی تیمی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای یک هیئت مدیره بزرگ دشوار است (جنسن^۲، ۱۹۹۳، ص ۸۴۲). دیدگاه دوم نظرات خود را این‌گونه بیان می‌نماید که هیئت مدیره کوچک‌تر از مزیت‌ها و منافع نظرات و پیشنهادهای تخصصی و متنوع که در هیئت مدیره بزرگ‌تر موجود است، محروم می‌شود. از طرف دیگر، هیئت مدیره بزرگ‌تر در زمینه‌هایی مانند مهارت، تجربه، جنسیت، ملیت و جذب مدیران موظف مزیت دارد (دالتون و دالتون^۳، ۲۰۰۵، ص ۹۳).

طبق این دو دیدگاه در صورت صدق فرضیه‌هایی که مطرح کردند، ممکن است مدیران اقدام به افزایش دارایی‌ها نمایند و شاهد رشد در دارایی‌هایی باشند که مناسب نبوده و دارای اثر منفی بر تصمیم‌های سهامداران و سرمایه‌گذاران باشند اما در صورت رد شدن آن فرضیه‌ها، هیئت مدیره در کنترل و نظارت بر منابع سازمان‌های اقتصادی و بهینه‌سازی رشد حاصل در دارایی‌ها، نقش موثر خواهد داشت. نظریه وابستگی به منابع بیان می‌کند در دسترسی به منابع که ممکن است برای موفقیت برخی سازمان‌ها مهم باشد، هیئت مدیره نقش مهمی دارد (پففر و سالانچیک^۴، ۱۹۷۸، ص ۵).

هیئت مدیره باید تنوع مدیران مانند سهامداران داخلی، کارشناسان کسب و کار و متخصصان پشتیبانی را داشته باشد. هیئت مدیره متنوع، منابع مالی (دارایی‌ها) بیشتری برای سازمان‌های اقتصادی فراهم می‌کنند که به بهبود عملکرد مدیریت و افزایش ارزش سازمان‌ها منجر می‌شود (هیلمن، کانلا و پاتزهود^۵، ۲۰۰۰، ص ۳۴۰).

از طرف دیگر تنوع در هیئت مدیره باعث کاهش وابستگی خارجی، کاهش عدم اطمینان و بهبود اعتبار (هیلمن و دالیزل^۶، ۲۰۰۳، ص ۲۴۰) و مشروعیت رشد دارایی‌ها می‌شود. نقش هیئت مدیره در تایید صورت‌های مالی و عملکرد مدیریت، نظارت، کنترل و تایید منطقی بودن و مطلوبیت رشد حاصل در دارایی‌های سازمان‌های اقتصادی نیز اهمیت

^۱ Lipton and Lorsch

^۲ Jensen

^۳ Dalton and Dalton

^۴ Pfeffer and Salancik

^۵ Hillman, Cannella and Paetzhold

^۶ Hillman and Dalziel

فراوان دارد و یک موضوع قابل اتکا و شفاف برای سرمایه‌گذاران و سهامداران محسوب می‌گردد.

مدیریت اجرایی

سازمان‌های اقتصادی برای تداوم فعالیت‌های خود و ماندن در بازار از یک طرف، و از طرف دیگر، برای بهبود بهره‌وری از دارایی‌ها و افزایش بازده آن‌ها به نقش مثبت مدیریت منابع مالی (دارایی‌ها) نیاز دارند. مدیران اجرایی خلاق از ساختار سرمایه، نیروی انسانی، تجهیزات و سایر عوامل تاثیرگذارتر هستند. مدیران با استفاده از دانش روز، اطلاعات مالی و حسابداری مناسب و شفاف، تجربه‌های گذشته و هنر بهره‌گیری از منابعی که در اختیار دارند، می‌توانند در تحقق رشد دارایی‌ها و افزایش ارزش سازمان‌ها بسیار موثر باشند. حجم و اندازه دارایی سازمان‌های اقتصادی که در اختیار مدیریت اجرایی‌ست در گسترش اختیارات و برنامه‌ریزی مدیران برای افزایش ثروت سهامداران و رشد دارایی‌ها کمک می‌کند. در حقیقت مدیریت اجرایی خلاق یک سازمان اقتصادی نمی‌تواند در بند شیوه‌های سنتی و معمول باشد، بلکه سبکی را برای مدیریت دارایی‌های در اختیارش برمی‌گزیند که برای سازمان‌های اقتصادی نوآوری مناسب ایجاد می‌نماید و در نهایت به رشد دارایی‌ها و رسیدن به هدف هر سازمان اقتصادی یعنی افزایش ثروت سهامداران منجر می‌شود. در اکثر مواقع مدیریت اجرایی از شکست خوردن هراس ندارد، ریسک‌پذیر و توان پیش‌بینی میزان رشد دارایی‌ها را دارد. مدیران اجرایی سازمان‌ها با تعیین اهداف کلی و جزئی، مشخص کردن سیاست اجرایی و پیاده‌سازی برنامه‌ریزی مناسب در تغییر و تحول ارزش‌ها و هنجارهای مناسب در رشد دارایی‌ها برای ایجاد فرصت‌های رشد مناسب کمک می‌کنند. مدیران خلاق با استفاده از اطلاعات حسابداری و گزارش‌های مالی و سنجیدن عوامل موثر بر رشد دارایی‌ها می‌توانند به اهداف مشترک خود و سهامداران برسند.

خلاصه

یافته‌های این مقاله مروری تحلیلی نشان می‌دهد که رشد دارایی‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مالی سازمان‌های اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات اطلاعاتی، افشاگری‌های مالی، رفتار محافظه‌کارانه و ارتقای شفافیت و قابلیت اتکای صورت‌های مالی ایفا می‌کند. بر اساس بررسی‌های نظری و شواهد تجربی، مشخص شد که نوسانات و روندهای رشد دارایی‌ها می‌تواند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران اجرایی، اعضای هیئت مدیره و سایر ذینفعان را به طور مستقیم

تحت تاثیر قرار دهد و همچنین کیفیت ارزیابی عملکرد و سلامت مالی سازمان‌ها را بهبود بخشد.

این مقاله نشان داد که توجه به رشد دارایی‌ها، نه تنها موجب ارتقای سطح افشا و شفافیت اطلاعات مالی می‌شود، بلکه با ایجاد زیرساختی برای رفتارهای محافظه‌کارانه‌تر در گزارشگری مالی، امکان تشخیص به موقع ریسک‌ها و فرصت‌ها را برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از جمله سرمایه‌گذاران، تحلیلگران، مقام‌های نظارتی و سیاست‌گذاران اقتصادی فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، این شاخص می‌تواند برای مدیران سازمانی و اعضای هیئت مدیره، ابزاری کارآمد در تدوین سیاست‌های مالی، تعیین استراتژی‌های رشد و مدیریت بهینه دارایی‌ها باشد.

توصیه‌های علمی و کاربردی

۱. به پژوهشگران و اساتید دانشگاهی پیشنهاد می‌شود موضوع رشد دارایی‌ها و تاثیر آن بر سایر شاخص‌های مالی و اقتصادی را در صنایع و بخش‌های مختلف به صورت مقایسه‌ای و تجربی مورد تحلیل قرار دهند تا بتوانند الگوهای بومی و راهکارهای متناسب با شرایط اقتصادی ایران را استخراج کنند.

۲. به مدیران مالی و ارشد سازمان‌ها توصیه می‌شود تحلیل مستمر روند رشد دارایی‌ها را به عنوان ابزار راهبردی در مدیریت ریسک، بهبود برنامه‌ریزی مالی و افزایش شفافیت، در دستور کار قرار دهند.

۳. نهادهای ناظر و سیاست‌گذاران مالی بایستی چارچوب‌های نظارتی و الزامات افشای اطلاعات را به گونه‌ای طراحی کنند که رشد دارایی‌ها به عنوان یکی از متغیرهای کلیدی در بررسی کیفیت گزارشگری مالی و ارزیابی سلامت سازمان‌ها مورد توجه ویژه قرار گیرد.

۴. به تحلیل‌گران مالی و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در ارزیابی و انتخاب شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری، علاوه بر دیگر شاخص‌های سنتی، روند رشد دارایی‌ها و تاثیر آن بر شفافیت و محافظه‌کاری مالی شرکت‌ها را نیز بررسی کنند.

۵. مدیران بخش آموزش سازمان‌ها می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه شاخص‌های رشد دارایی، نقش و اهمیت آن را برای کارکنان کلیدی و تیم‌های مالی سازمان تبیین نموده و فرهنگ ارتقای شفافیت و پاسخگویی را تقویت کنند.

در مجموع، توجه راهبردی به شاخص رشد دارایی‌ها با استفاده از رویکردهای علمی و عملی، می‌تواند بنیان مدیریتی و تصمیم‌سازی سازمان‌های اقتصادی ایران را تقویت کرده و زمینه رشد پایدار و ارتقای سلامت مالی در اقتصاد رقابتی امروز را فراهم آورد.

منابع

- احدی، علی، رنجبر، مجید و مهدیخانی، علیرضا، (۱۳۹۳)، تبیین رابطه بین محافظه کاری مشروط حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری و تدثیر فرصت‌های رشد و اندازه شرکت بر این ارتباط در بازار سرمایه ایران، سیویلیکا - ناشر تخصصی مقالات کنفرانس‌ها و ژورنال‌ها، ۲۵-۱.
- ایمانی، ذکوان، ذاکری زیارتی، مریم و بهادری، مریم، (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر نسبت مالکیت نهادی، استقلال هیئت مدیره و نرخ رشد دارایی‌ها بر فرصت‌های رشد شرکت‌ها، اولین همایش حسابداری، اقتصاد و نوآوری در مدیریت، بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس
- برزیده، فرخ و قاسمی، افسانه، (۱۳۹۳)، رابطه بین دارایی‌های عملیاتی و محافظه‌کاری حسابداری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۷، ۹۲-۷۳.
- حاجیان، نجمه، انواری رستمی، علی اصغر، رحمانی، علی و آذر، عادل، (۱۳۹۴)، بررسی عوامل موثر بر سطح افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، ۹۲-۷۱.
- حیدری، مهدی، رنجبری، علی، (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر پاداش هیئت مدیره بر پیش‌بینی سود، دانش حسابرسی، شماره ۵۸، ۲۰۴-۱۸۹.
- عالی ور، عزیز، (۱۳۷۹)، حسابداری مدیریت و صنعتی، فصلنامه حسابرسی، شماره ۹، سال دوم، زمستان ۱۳۷۹، ۲۹-۲۲.
- علیزاده، امیرخادم، (۱۳۹۲)، بررسی نقش بازار سرمایه در رشد اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد خرد (سطح بنگاه ۱۳۹۰-۱۳۷۰)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۵۴، ۹۳-۱۱۸.
- علی نژاد ساروکلانی، مهدی و بحرینی، مریم، (۱۳۹۲)، تاثیر سرمایه‌گذاران و تمرکز مالکیت بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۱۹، ۱۰۹-۹۱.
- مهریان پور، محمدرضا و ربیعی، حیدر، (۱۳۹۷)، عوامل تاثیرگذار بر رشد دارایی شرکت‌ها: مطالعه شرکت‌های حوزه خلیج فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

نوروش، ایرج، صالحی، فایق و کرمی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، بررسی رابطه جریان‌های نقد عملیاتی، سود عملیاتی، و ارزش افزوده اقتصادی یا ثروت ایجاد شده برای سهامداران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۱(۳۷)، ۱۴۶-۱۲۱.

Chul, P., Pincus, M., (2001), Internal vs external funding sources and earnings response coefficients, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 16, 33-52.

Dalton, C.M., Dalton, D.B., (2005), Boards of Directors: Utilizing Empirical Evidence in Developing practical prescriptions, *British Journal of Management*, 16, 91-97.

Georgios, P., Thomakos, D., Wang, T., (2011), Information in balance sheets for future stock returns: Evidence from netoperating assets, *International review of financial analysis*, 20, 269-282.

Hanson. R.C., Song. M.H., (1997), Managerial Ownership, Board Structure, and the Division of Gains in Divestitures annual meeting, 1-23.

Hermalin, B.E., Weisbach, M.S. (2003), The effects of board composition and direct incentives on firm performance. *Financial Management. Financial Management Association*, 20, 101-112.

Hillman, A., Cannella, A., Paetzhold, R., (2000), The resource dependence role of corporate directors: Strategic Adaption of Board Composition in Response to Environmental Change, *Journal of Management Studies*, 37, 235-255.

Hillman, A., Dalziel, T., (2003), Boards of Directors and Firm Performance: Integrating Agency and Resource Dependence Perspectives, *Academy of Management Review*, 28(3), 383-396.

Jensen, M. C., (1993), The modern industrial revolution, exit, and the failure of internal control systems, *Journal of Finance*, 48, 831-880.

Kunt, Asli, Maksimovic, Vojislav, (1996), Stock market development and Firms financing choices, *World Bank Economic Review*, 10, 341-369.

Lipton, M., Lorsch, J.W., (1992), A Modest Proposal for Improved Corporate Governance, *Business Lawyer*, 48, 59-77.

Lim. M., How.J., Verhoeven., P., (2014), Corporate Ownership, Corporate Governance Reform and Timeliness of Earnings: Malaysian evidence, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 10(1), 32-45.

Pfeffer, j., Salancik, G., (1978), The external control of organizations: A resource dependence perspective, New York: Harper and Row.

- Thompson, S., Hansen, M., Wright, M., (2003), The Impact of Divestment on Firm performance: Empirical Evidence from a panel of UK Companies, the Journal of Industrial Economics, 1(2), 173-196.
- Zhang, Y, (2006), Net operating assets as predictor of industry stock returns, Chinese University of Hong Kong working Paper.
- Zhang Y., Hirshlefer D., Hou, S., (2004), Do investors overvalue firms with bloated balance sheets? Journal of Accounting and Economics, 38, 297-331.